

نقش نیروی انتظامی در توانمندسازی شهروندان با رویکرد ارتقای احساس امنیت اجتماعی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۰

از صفحه ۱۱۹ تا ۱۳۶

حنانه درشتی^۱

چکیده

زمینه و هدف: ناجا به منزله مهم‌ترین نهاد اجتماعی مسئول ایجاد نظم و امنیت همواره کوشیده که از طریق تعامل با شهروندان، نقش خود را در تأمین و حفظ امنیت و ابعاد احساس امنیت، به گونه مؤثرتری محقق سازد. این پژوهش در نظر دارد ضمن تبیین مفاهیم توانمندسازی و امنیت اجتماعی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، چگونگی تعاملات مردم و نیروی انتظامی را با تأکید بر احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مورد مطالعه قرار دهد.

روش: روش انجام تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی بوده که با استفاده از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته انجام شده و نوع پژوهش از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل مناطق بیست و دو گانه تهران است که تعداد ۴۰۰ نفر از زنان و مردان شهر تهران به وسیله نمونه‌گیری ساده به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق، از آزمون‌های آماری مناسب با نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد بین نقش توانمندسازی مردمی توسط نیروی انتظامی و ارتقای احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و نیروی انتظامی بر پایه مؤلفه‌های اعتمادسازی، آموزش، حمایت و تسهیل‌گری موجب ارتقای امنیت اجتماعی در بین شهروندان تهرانی می‌شود. در بین ابعاد نه‌گانه شناسایی شده نیز مؤلفه آموزش‌های مستقیم در رتبه نخست ضریب اهمیت قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق این رویکرد را مورد تأیید قرار می‌دهد که مردم ضمن تأیید اقدامات نیروی انتظامی برای ارتقای امنیت در جامعه، بر سطوح بالاتری از نیازهای امنیتی تأکید کرده‌اند که لازم است جایگاه ناجا متناسب با نیازها و انتظارات فزاینده مردم، ارتقاء داده شود.

کلید واژه‌ها: توانمندسازی، امنیت اجتماعی، نیروی انتظامی، امنیت، احساس امنیت، شهروندان تهرانی.

استناد: درشتی، حنانه (بهار ۱۳۹۹). نقش نیروی انتظامی در توانمندسازی شهروندان با رویکرد ارتقای احساس امنیت اجتماعی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۵(۵۷)، صص ۱۳۶-۱۱۹.

۱. دکتری علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، hanadarashti@vatanmail.ir

مقدمه

امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می‌توان امنیت عمومی نیز قلمداد کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد. در میان نظریه‌پردازان امور امنیتی، ویور امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی و احتمالی تعریف کرده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید داشته است و خاطر نشان می‌کند که جامعه، امنیت هویتی‌اش را می‌طلبد. بر این اساس، امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند و غالباً به امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، فرهنگی، روانی و انتظامی تقسیم می‌شود. امنیت اجتماعی اولین بار و به صورت منسجم توسط «باری بوزان» مطرح شد (بوزان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵). به عقیده وی، این نوع از امنیت به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر مبنای آن، افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند.

امنیت اجتماعی در واقع بخشی از وظایف ایجابی دولت است که توسط نیروی انتظامی به‌عنوان نماینده قانونی دولت در قالب وظایف و مأموریت‌ها صورت می‌پذیرد تا موجب مصونیت (فقدان جرم و جنایت) و آسودگی خاطر (احساس امنیت) اعضای جامعه در فعالیتهای روزمره اجتماعی، محل‌های کسب‌وکار و تردد، زندگی خصوصی، تعامل‌های اجتماعی، حفظ ارزش‌های دینی و ملی، تأمین بخشی از رفاه و آسایش و سرانجام، ارتقای منزلت اجتماعی آنان در شبکه تعامل‌های اجتماعی شود. در این راستا، توانمندسازی فرآیندی است که افراد جامعه از راه آن از نیازها و خواسته‌های خود آگاه شده، نوعی اعتمادبه‌نفس و خوداتکایی را برای برطرف کردن آن نیازها به دست می‌آورند و براساس آن از توانایی لازم برای تحقق هدف‌های خود برخوردار می‌شوند. در توانمندسازی، هدف کلی آن است که در خود جامعه محلی، افراد به سطحی از نگرش، دانش و توانایی برسند که بخواهند و بتوانند مسئولیت اجتماعی و نقش خود را در توسعه و پیشرفت جامعه محلی‌شان ایفاء کنند.

نهاد نیروی انتظامی یکی از نهادهای مهم و محوری در جامعه تلقی می‌شود که به‌عنوان مجری قانون و حافظ نظم و امنیت اجتماعی، پیوسته در ارتباط و تعامل با مردم است. اگرچه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تأمین امنیت اجتماعی در جوامع کمتر توسعه‌یافته، استفاده از عوامل قهرآمیز است، اما به تجربه ثابت شده است به‌رغم

سریع‌الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن اندک است. ثبات و پایداری امنیت تنها از رهگذر توانمندسازی مردمی در راستای نهادینه کردن همبستگی و تعاون و اعتماد در یک جامعه و احساس مشارکت و مسئولیت عمومی در قبال امنیت اجتماعی حاصل می‌شود. از آنجا که سازمان پلیس، گسترده‌ترین سازمان اجتماعی است که بیش‌ترین قابلیت دسترسی را برای شهروندان دارد، امنیت و احساس امنیت شهروندان در رابطه با حوادث و وقایع مختلف بر عهده پلیس است. بر همین اساس، سؤال اساسی پژوهش این است که توانمندسازی مردم توسط نیروی انتظامی چگونه به ارتقای امنیت اجتماعی شهروندان کمک می‌کند؟

اهمیت تحقیق حاضر در مورد نقش پلیس در پیشگیری از جرم و افزایش امنیت اجتماعی با تأکید بر نقش مردم از آنجا ناشی می‌شود که پلیس متولی این امر است و در جامعه نقش بسیار مهم و کلیدی در ایجاد امنیت پایدار و پیشگیری از وقوع جرائم دارد. با توانمندسازی مردمی، هرکسی مسیر و جهت کاری خود را به روشنی می‌داند و فعالیت‌های موازی کمتری انجام می‌شود. احساس امنیت در یک جامعه، به احساس روانی مردم از میزان وجود یا عدم وجود جرم و ناهنجاری در آن جامعه بازمی‌گردد و هر مقدار، فراوانی جرم، بالاتر باشد، احساس امنیت پایین‌تر است. اگرچه باید توجه داشت که این احساس ناامنی صرفاً منبعث از عدم وجود امنیت یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه، امنیت وجود داشته باشد، اما افراد آن، احساس امنیت نکنند و بالعکس. به بیانی دیگر، احساس امنیت نمایشی از تلاش همگانی برای اداره جامعه به شیوه صحیح و اصولی است. با این احتساب، هرگونه ضعف در حفظ نظم و انجام هرگونه اقدام و برخورد نامناسب همانا تهدیدی جدی در کاهش احساس امنیت است. بر این اساس، باید به مقوله احساس امنیت اجتماعی بیش از پیش اهمیت داد. از طرفی، با گسترش توانمندسازی مردم از یک‌سو و نیروهای پلیس از سوی دیگر، در میزان هزینه، صرفه‌جویی قابل‌ملاحظه‌ای صورت خواهد گرفت و در واقع، منابع مالی سازمان بیش از پیش صرف تدابیر کیفی برای ارتقای عملکرد سازمان خواهد شد. بنابراین، مهم‌ترین هدف اصلی این پژوهش عبارت است از: بررسی نقش توانمندسازی مردمی توسط نیروی انتظامی در جهت ارتقای امنیت اجتماعی شهروندان در سطح تهران بزرگ.

طی دو دهه اخیر، تحقیقاتی در خصوص نقش پلیس در ارتقای احساس امنیت اجتماعی شهروندان انجام گرفته است که در ادامه به بخشی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده

است. تاجران و کلاکی (۱۳۸۸)، تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی» به روش پیمایشی انجام دادند که یافته‌ها نشان داد توانمندی پلیس یعنی قدرت سخت‌افزاری و تظاهری پلیس بر عوامل اخلاقی و فعالیت‌های اجتماعی ارجحیت دارد و بین دو متغیر توانمندی عملیاتی پلیس (سرعت عمل، امکانات و تجهیزات پیشرفته و گشت‌های منظم) و فعالیت‌های اجتماعی پلیس (مشارکت و ارتباط بیشتر با مردم) با احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. هزارجریبی، کشوری و فاروقی (۱۳۹۳) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، با هدف سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی به این نتیجه رسیدند که احساس امنیت زنان کمتر از مردان است و با بهبود عملکرد پلیس، احساس امنیت افزایش یافته و با بالا رفتن میزان جرائم، احساس امنیت کاهش می‌یابد. افراد بیکار نیز نسبت به شاغلان، احساس امنیت کمتری دارند. همچنین، نایب‌پور، ویسیان، اصغری و محمدی (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان «نقش پلیس در احساس امنیت اجتماعی پایدار» با هدف تعیین نقش پلیس در احساس امنیت اجتماعی بین شهروندان شهر دهگلان انجام داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین نقش پلیس و احساس امنیت در بین شهروندان شهر دهگلان و بین سه شیوه (توانایی، عملکرد و جدیت) پلیس و احساس امنیت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

در زمینه نقش نیروی انتظامی در ارتقای امنیت اجتماعی با تأکید بر مشارکت مردم کار تحقیقی اندکی صورت گرفته و بیشتر کارهای انجام شده در این زمینه، مختص به خود پلیس یا مربوط به بحث پیشگیری از جرم بوده است. آنچه تحقیق حاضر را متمایز می‌کند، تمرکز بر یک نوع مدل ارتقای امنیت اجتماعی با تأکید بر توانمندسازی مردمی است و نقش پلیس را در زمینه توانمندسازی مردم با تأکید بر چهار مؤلفه آموزش، تسهیل‌گری، حمایت و اعتمادسازی مورد بررسی قرار داده است؛ چیزی که در تحقیقات مشابهی که در حوزه امنیت اجتماعی کار شده است مشاهده نمی‌شود.

امنیت اجتماعی: مقوله امنیت، قدمتی به وسعت تاریخ بشر دارد. از نظر تبارشناسی، مفهوم امنیت دارای سابقه‌ای طولانی‌تر از مفهوم «عدالت» و «جامعه» است (رجبی فرجاد، ۱۳۹۵، ص ۹). امنیت در فرهنگ فارسی به معنای آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۰). در مجموع می‌توان مفهوم

«امنیت» را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف کرد (جونز^۱، ۲۰۱۹، ص ۱۰۲) و هر عامل یا پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق اعضای گروه یا جامعه شود، به منزله تهدیدی برای امنیت تلقی می‌شود (بوزان، ۱۳۹۰، ص ۱۲). در تعریفی دیگر، امنیت «به یک ویژگی پایدار در جو صلح، برخورد مناسب و آگاهی دوجانبه اطلاق می‌شود که به تمام شهروندان امکان می‌دهد که آزادانه حقوق شخصی، سیاسی و اجتماعی خود را اعمال کنند و اجازه عملیات عادی مؤسسه‌های عمومی و خصوصی را بدهد» (کاوپانی، ۱۳۹۷، ص ۱۰). امنیت، نخستین عاملی است که سبب می‌شود انسان‌ها کنار هم آیند، از نیروی هم بهره گرفته و در مسئولیت‌های اجتماعی مشارکت کنند تا آسوده‌تر و متعهدتر به زندگی خود ادامه دهند (سهراب‌زاده، نیازی و بیات، ۱۳۹۸، ص ۱۰).

موضوع امنیت اجتماعی^۲ از جمله مباحثی است که در سال‌های اخیر مورد توجه محافل علمی و پژوهشی قرار گرفته و دلیل آن هم نقش قابل توجه مقوله امنیت اجتماعی و از آن مهم‌تر، بحث احساس امنیت اجتماعی در تهدید یا تقویت زیرساخت‌های پیشرفت یک اجتماع است. منظور از امنیت اجتماعی، آن بخش از اقدامات ایجابی دولت است که در راستای ارتقاء و تأمین امنیت جامعه صورت می‌گیرد که در حوزه مأموریت‌های ناجا قرار دارد و یکی از ابعاد بسیار مهم امنیت است. در واقع، امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود در زمینه‌های شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی ایجاد کند. بنابراین، چیزی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آن‌ها از هرگونه تهدید و تعرض مفروض (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸، ص ۴). امنیت اجتماعی اولاً حاصل فضای اجتماعی است؛ یعنی در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد، ثانیاً دلالت بر رهایی از اضطراب و تعقیب دارد و ثالثاً امنیت اجتماعی ناظر بر

1. Jones

2. Social Security

مبادلات اجتماعی و استفاده از آن‌ها به‌مثابه فرصتی برای اطمینان‌بخشی و اعتمادسازی است که مقوم پایداری و پیش‌بینی‌پذیری کنش‌های کنشگران اجتماعی است. مفهوم امنیت اجتماعی دارای دو بعد عینی و ذهنی است؛ در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب‌شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را معین می‌کند. (بوزان^۱، ۲۰۱۸، ص ۲۵). همچنین، در بعد عینی، امنیت اجتماعی به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمنی برای حفاظت ارزش‌های اصولی و حیاتی ملی است و از بعد ذهنی، به معنای احساس امنیت است؛ یعنی امنیت از بعد ذهنی ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم دارد (خوش‌فر، ۱۳۹۴، ص ۲۷۱).

تعریف عملیاتی و عینی نقش نیروی انتظامی: نیروی انتظامی باید نظم و امنیت را طبق شرح وظایفی که قانون برایش معین کرده، در سرتاسر کشور، بالأخص در برخی از مناطق که گاهی اشراری در آنجا نظم و امنیت را مورد اختلال قرار می‌دهند، تأمین کند. در این حوزه، نیروی انتظامی بر روش‌های ساختار امنیت و تأمین احساس امنیت تأکید دارد. بنابراین، در اینجا منظور از ساختار امنیت، همان کارویژه‌ها یا کارکردهای نیروی انتظامی در تأمین امنیت و ساختار امنیت کشور است. بدین ترتیب، اگر امنیت در سطح جامعه وجود داشته باشد، فعالیت‌های سالم اجتماعی بروز پیدا می‌کنند و افراد به‌راحتی و با هزینه کمتر خواهند توانست برنامه‌های خود را در راستای برنامه‌های جاری کشور و در جهت توسعه و اصلاح امور جامعه ارائه داده و احساس رضایت کنند (محسنی تبریزی و حیدری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴).

اقداماتی را که نیروی انتظامی در حال حاضر در ساختار امنیت و احساس امنیت در جامعه به عمل می‌آورد، به صورت عمده اقدامات سلبی و مقابله‌ای در کاهش جرائم و ناهنجاری‌ها بوده و بعد سلبی و مقابله‌ای نسبت به سایر ابعاد ایجابی از قبیل پیشگیری، ارائه خدمات اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی، تعامل نهادها و حفظ انضباط اجتماعی، تفوق و برتری دارد. در نتیجه، عملکرد فعلی نیروی انتظامی با عنوان تأمین امنیت (آسایش و اطمینان خاطر شهروندان از آسیب‌ها در محل زندگی، کسب‌وکار، حفظ ارزش‌ها و غیره)، تفاوت مفهومی و عملی دارد. این ویژگی‌ها و سایر ویژگی‌های موردنظر و مورد انتظار حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، همچنین

1. Buzan

قانون ناجا و در بخشی از سند چشم‌انداز ناجا در ۱۴۰۴ (ذوالفقاری، ۱۳۸۸، صص ۱۶۹-۱۶۶) به تفکیک آمده است.

توانمندسازی^۱: توانمندسازی، فنی مدیریتی است که افراد را از کنترل‌های شدید رها می‌کند تا آن‌ها در برابر عقاید، تصمیمات و اقداماتشان احساس مسئولیت کنند. مفهوم توانمندسازی از آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد ادبیات مدیریتی و سازمانی شده بود و در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، ادبیات موضوع آن هرچه غنی‌تر شده و از اصول بنیادین آن در شهرها استفاده شده است (ورث و میشل^۲، ۲۰۱۶، ص ۱۱۲). توانمندسازی فقط دادن قدرت به اجزای سیستم نیست، بلکه موجب می‌شود هر کدام از اجزاء با فراگیری دانش، مهارت و انگیزه بتوانند عملکردشان را بهبود بخشند. توانمندسازی دارای بعدی ارزشی است که در مدیریت عالی اجتماع تا پایین‌ترین سطوح امتداد می‌یابد و فرآیندی است که در آن شرایط برای توانمندی فراهم است و در آن با حمایت مستقیم رهبری از اجزای اجتماع، آن‌ها به پذیرش ریسک تقویت می‌شوند (ویرتا^۳، ۲۰۰۸، صص ۵۶-۵۷).

بحث نظم و حفظ انسجام اجتماعی و ارتباط آن با ارزش‌ها و هنجارها و باورها از دیرباز مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسان و سیاست‌پژوهان بوده است، لذا با توجه به اهمیت این رهیافت‌های نظری، برای درک بهتر رابطه امنیت اجتماعی و توانمندسازی، مهم‌ترین نظریه‌های مطرح‌شده در این زمینه به‌اختصار بیان می‌شود.

- **نظریه همبستگی امیل دورکیم:** همبستگی به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده و خلاق در جامعه است و عنصر اصلی تداوم، حیات اجتماعی و نظم اخلاقی است و شامل مجموعه‌ای از قواعد است که بر روابط اجتماعی حکم‌فرما است. در نتیجه، امنیت اجتماعی معلول نظم اخلاقی یا اخلاقیات مشترک است؛ به‌گونه‌ای که با حضور ارزش‌ها و باورهای مشترک افزایش می‌یابد (آرون^۴، ۱۳۸۹، ص ۳۶۹).

- **نظریه روبنا- زیربنای مارکس:** امنیت اجتماعی در ارتباط با کار معنا و مفهوم می‌گیرد؛ چراکه انسان در ارتباط کارش امکان تعریف می‌یابد و امنیت اجتماعی به شرایطی اطلاق

1. Empowerment

2. Worth & Mitchell

3. Virta

4. Aron

می‌شود که حرفه‌ها و مشاغل گوناگون، استقلال و آزادی عمل خود را حفظ کرده و با اختیار در تنظیم روابط تولیدی قادر به حمایت و دفاع از افراد در مقابل تهدیدها و آسیب‌های مختلف است (ریتور^۱، ۱۳۹۴، ص ۴۵).

- **نظریه سیستمی تالکوت پارسونز:** امنیت اجتماعی با ایجاد و حفظ شرایطی، بسترهای لازم را برای کارکرد نهادهای اجتماعی فراهم کرده تا در انسجام جامعه نقش ایفاء کنند. امنیت اجتماعی چیزی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آن‌ها از هرگونه تهدید و تعرض (اولادی، جهانبخش و محمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹) که از نهادهای جامعه‌پذیر ریشه گرفته و اعتماد، اطمینان، همکاری و همیاری، از جمله شاخص‌های آن است. ضمن اینکه، زور و قدرت در امنیت اجتماعی ابزاری کارآمد نبوده و ابزارهای اطلاع‌رسانی و آموزش مفید تلقی می‌شوند. از نظر پارسونز، مهم‌ترین بعد امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی است که خرده نظام‌های اجتماعی به آن احتیاج دارند (ترنر، ۱۳۹۳، ص ۸۱).

- **تئوری امنیت اجتماعی بوزان:** بوزان، امنیت اجتماعی را با قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در راستای حفاظت از الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی، شاخص‌سازی کرده است (ریتور، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵). وی حفاظت از عناصر اصلی انسجام اجتماعی را شرط تحقق امنیت برای بقاء و تداوم جامعه می‌داند. مجری امنیت اجتماعی از نظر بوزان، گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی بزرگ که در تعامل یا تقابل با دولت ملی می‌باشند، است (بنی فاطمه و سلیمی، ۱۳۹۰، ص ۵۹).

در این پژوهش، جهت بررسی و تبیین رابطه بین توانمندسازی مردمی نیروی انتظامی و ارتقای احساس امنیت اجتماعی، ضمن بهره‌گیری از آراء صاحب‌نظرانی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، عمدتاً بر سه نظریه زیر تأکید شده است:

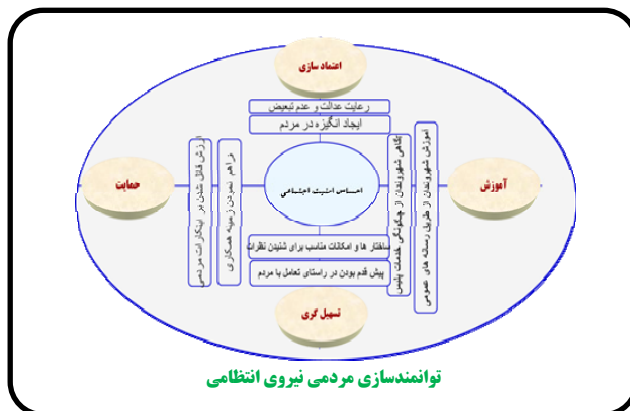
الف) رهیافت نهادی: با وجود تعاریف و برداشت‌های متعدد از مفهوم نهاد و نهادینگی، یک واقعیت ساده می‌تواند راهنمای فهم این اصطلاح پیچیده در علوم اجتماعی باشد و آن اینکه مردم در جریان زندگی روزمره به‌سادگی درمی‌یابند که آن‌ها علاوه بر منافع و علائق فردی، دارای منافع جمعی نیز هستند. این نیازهای مشترک را می‌توان پایبندی به یک سلسله هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقرراتی برای سامان بخشیدن به زندگی

1. Ritor

اجتماعی و به‌ویژه تأمین امنیت برای آحاد افراد جامعه دانست که مورد اخیر، مستقیم به نقش و وظایف پلیس در جامعه ربط پیدا می‌کند (حقیقت، ۱۳۹۳، ص ۱۹۸).

ب) نظریه تعامل‌گرایی: نظریه تعامل‌گرایی اجتماعی در نیمه دوم سده بیستم از نظریه‌های پرآوازه جامعه‌شناسی خرد بود که کنش‌های مکرر و متقابل میان مردم را در سطوح مختلف، زمینه‌ساز شکل‌گیری و استواری جوامع قلمداد می‌کرد. این نظریه و شاخه‌های گوناگون آن به‌ویژه کنش متقابل نمادین بر این نکته تأکید می‌کند که برخلاف دیدگاه‌های بالا به پایین برای مطالعه جوامع (نظیر نگرش پارسونز و همفکرانش)، واقعیت‌های اجتماعی در روابط متقابل و نمادین در بین افراد، به میانجی زبان و در متن فرهنگ‌های خاص شکل می‌گیرد. در این شبکه پیچیده، تعامل میان افراد است که معنای کنش اجتماعی تبلور می‌یابد. بدین‌سان واقعیت‌های اجتماعی را نه از بالا به پایین، بلکه از «پایین به بالا» باید مورد مطالعه قرار داد (تبریزی و محتشمی، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

ج) نظریه توقعات و انتظارات فزاینده: این عقیده که توقعات برآورده نشده می‌تواند موجب نارضایتی و حتی ناآرامی در بین توده‌های مردم شود، عقیده‌ای قدیمی است که قدمت آن به دهه ۱۹۵۰ میلادی می‌رسد. بعدها گار با ارائه نظریه محرومیت نسبی، کوشید عقیده بالا را با واقعیت‌های جوامع شهری در دهه ۱۹۷۰ و دهه‌های بعد از آن سازگار کند و نشان دهد که تصور فاصله و شکاف بین انتظارات و آرزوهای مردم و آنچه در عمل نصیبشان می‌شود، می‌تواند به نارضایتی و ناآرامی بیانجامد (پناهی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۸).



نمودار ۱ - مدل مفهومی تحقیق (نقش نیروی انتظامی در توانمندسازی شهروندان)

روش‌شناسی تحقیق

روش این پژوهش، کمی و از نوع پیمایشی بوده و از نظر هدف، کاربردی است جامعه آماری پژوهش شامل مناطق بیست‌و دو گانه تهران است و حجم نمونه براساس فرمول کوکران، تعداد ۴۰۰ نفر از زنان و مردان بالای پانزده سال شهر تهران است که به شکل نمونه‌گیری ساده، از بین مناطق ۲۲ گانه تهران انتخاب شده‌اند. روایی ابزار با نظر نخبگان انجام شده و پایایی پرسشنامه با روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر مقدار ۰/۸۷۴ به دست آمده است. برای بررسی سئوالات تحقیق نیز از آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف و KMO در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

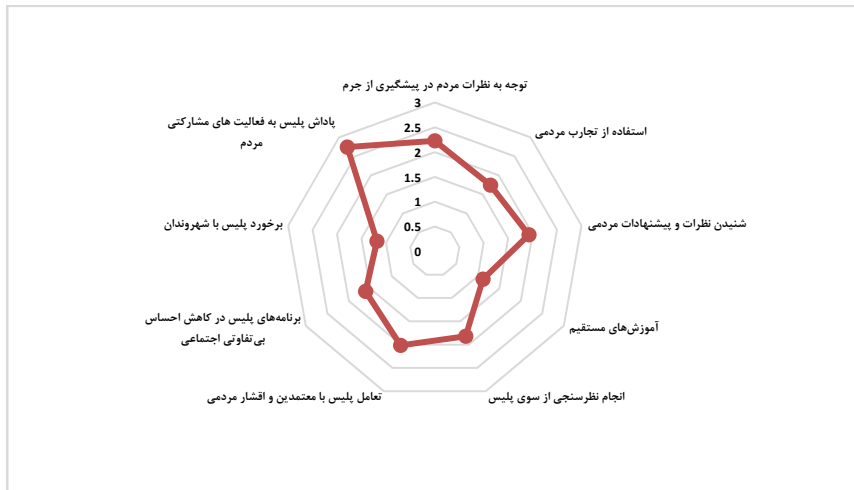
یافته‌های تحقیق

جدول ۱ - ویژگی جمعیت‌شناختی جامعه آماری

درصد	فراوانی	ویژگی جمعیت شناختی
۵۳	۲۰۱	زن
۴۹/۸	۱۹۹	مرد
۲۸/۷	۱۱۵	کارشناسی
۲۶/۸	۱۰۷	دیپلم
۱۶/۵	۶۶	فوق دیپلم
۱۲/۳	۴۹	کارشناسی ارشد
۹/۵	۳۸	راهنمایی
۳/۴	۱۷	ابتدایی
۲	۸	دکتری
۳۷/۷	۱۱۱	۳۵ تا ۳۶
۲۷	۱۰۸	۳۶ تا ۴۵
۲۲/۳	۸۹	۱۵ تا ۲۵
۱۴/۵	۵۸	۴۶ تا ۵۵
۵/۵	۳۴	۵۵ به بالا

جدول ۲ - توزیع فراوانی پاسخگویان تحقیق

شاخص پراکندگی	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه
۱۸/۳۸۹	۲/۲۲۹	۸/۲۹	توجه به نظرات مردم در پیشگیری از جرم
۲۱/۳۵۷	۱/۷۴۴	۹/۰۶	استفاده از تجارب مردمی
۱۹/۹۰۴	۱/۹۲۶	۷/۹۸	شنیدن نظرات و پیشنهادهای مردمی
۲۷/۸۷۷	۱/۱۲۱	۸/۵۸	آموزش‌های مستقیم
۲۴/۱۰۷	۱/۸۲۱	۸/۷۶	انجام نظرسنجی از سوی پلیس
۲۰/۲۱۹	۲/۰۱۶	۸/۶۳	تعامل پلیس با معتمدین و اقشار مردمی
۱۹/۴۳۷	۱/۶۱۱	۷/۱۱	برنامه‌های پلیس در کاهش احساس بی‌تفاوتی اجتماعی
۲۴/۹۳۲	۱/۱۸۶	۸/۲۵	برخورد پلیس با شهروندان
۲۱/۵۰۷	۲/۷۴۴	۸/۰۵	پاداش پلیس به فعالیت‌های مشارکتی مردم



نمودار ۲ - شاخص پراکندگی مؤلفه‌های نگاه‌ت تحقیق

برابر نتایج جدول و نمودار ۲، در بین مؤلفه‌های نه‌گانه شناسایی شده در ارتباط با نقش نیروی انتظامی در توانمندسازی شهروندان با رویکرد ارتقای احساس امنیت اجتماعی، مؤلفه آموزش‌های مستقیم با انحراف معیار ۱/۱۲۱ در درجه اهمیت اول قرار دارد. برخورد پلیس با شهروندان نیز با انحراف معیار ۱/۱۸۶ در درجه بعدی قرار دارد که نشان‌دهنده توجه ویژه به این دو مؤلفه از نظر نمونه‌های آماری و پاسخگویان به پرسشنامه تحقیق است.

برای بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بهره گرفته شده است. در این آزمون، اگر سطح معناداری بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۰۵ به دست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت و به عبارت دیگر، توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود.

جدول ۳ - آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرها

متغیر / مؤلفه	آماره Z	سطح معناداری
توجه به نظرات مردم در پیشگیری از جرم	۰/۶۸۳	۰/۸۰۴
استفاده از تجارب مردمی	۰/۶۷۹	۰/۷۵۱
شنیدن نظرات و پیشنهادات مردمی	۰/۷۰۲	۰/۷۰۷
آموزش‌های مستقیم	۰/۷۳۶	۰/۶۱۹
انجام نظرسنجی از سوی پلیس	۰/۵۱۶	۰/۹۵۱
تعامل پلیس با معتمدین و اقشار مردمی	۰/۶۲۱	۰/۸۰۶
برنامه‌های پلیس در کاهش احساس بی‌تفاوتی اجتماعی	۰/۴۵۷	۰/۹۸۹
برخورد پلیس با شهروندان	۰/۷۱۱	۰/۹۰۲
پاداش پلیس به فعالیت‌های مشارکتی مردم	۰/۶۴۴	۰/۶۹۷

برابر جدول ۳ و براساس نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، با توجه به اینکه سطح معناداری در مورد تمامی متغیرها بزرگ‌تر از $0/05$ به دست آمده است، نتیجه گرفته می‌شود توزیع داده‌های پژوهش نرمال بوده و فرضیه نرمال بودن آن‌ها پذیرفته می‌شود. در ادامه، از تحلیل عاملی با رویکرد تلخیص داده‌ها استفاده شده است. هدف اصلی این روش، تبیین تعداد زیادی از متغیرها براساس یک ساختار اصلی و با عناصر کمتر است که براساس آماره KMO در آزمون بارتلت، در صورتی که سطح معناداری کمتر از $0/5$ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است و اگر مقدار آن بزرگ‌تر از $0/70$ باشد، متغیرها بسیار مناسب خواهند بود.

جدول ۴ - شاخص KMO و آزمون بارتلت

شاخص KMO		۰/۸۸۹
آزمون کرویت بارتلت	آماره خی دو	۱۸/۷۴۳
	درجه آزادی	۱۱۲۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۱

براساس نتایج جدول ۴، مقدار KMO در آزمون بارتلت برابر $0/۸۸۹$ با سطح معناداری $0/۰۰۱$ به دست آمده که برای تحلیل عاملی بسیار مناسب هستند و در نتیجه می‌توان از شاخص‌های به دست آمده در پرسشنامه برای شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های تحقیق استفاده کرد.

جدول ۵ - رتبه‌بندی مؤلفه‌های تحقیق

رتبه	مؤلفه
۱	آموزش‌های مستقیم
۲	برخورد پلیس با شهروندان
۳	برنامه‌های پلیس در کاهش احساس بی‌تفاوتی اجتماعی
۴	استفاده از تجارب مردمی
۵	انجام نظرسنجی از سوی پلیس
۶	شنیدن نظرات و پیشنهادهای مردمی
۷	تعامل پلیس با معتمدین و اقشار مردمی
۸	توجه به نظرات مردم در پیشگیری از جرم
۹	پاداش پلیس به فعالیت‌های مشارکتی مردم

در جدول ۵، ابعاد نه‌گانه نقش نیروی انتظامی در توانمندسازی شهروندان با رویکرد ارتقای احساس امنیت اجتماعی براساس نظر پاسخگویان و نمونه‌های آماری تحقیق رتبه‌بندی شده است که مؤلفه‌های آموزش‌های مستقیم، برخورد پلیس با شهروندان و

برنامه‌های پلیس در کاهش احساس بی‌تفاوتی اجتماعی به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر، بررسی نقش توانمندسازی مردم توسط پلیس در ارتقای امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی است. فرض تحقیق بر این بود که نیروی انتظامی با توانمندسازی مردم در چهارچوب مؤلفه‌های آموزش، اعتمادسازی، تسهیل‌گری و حمایت به ارتقای احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان تهرانی نقش ایفا می‌کند و بر مبنای چهارچوب نظری، از سه رهیافت نهادی، تعامل‌گرایی و توقعات فزاینده در راستای تبیین رابطهٔ توانمندسازی (با چهار شاخص اعتماد، حمایت، آموزش و تسهیل‌گری) و امنیت اجتماعی بهره‌گرفته شده است.

باید توجه داشت که نهادها، می‌توانند به رفتارهای فردی و اجتماعی شکل داده و الگوهای رفتاری با ثباتی را در جامعه مستقر سازند. این الگوهای رفتاری تثبیت‌شده می‌توانند به بهترین وجه به نظم و ثبات اجتماعی کمک کند. بدین‌سان، نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از نهادهای مؤثر در ارتقای احساس امنیت اجتماعی شهروندان، باید پیوسته در جهت نهادینگی نظم و امنیت اجتماعی بکوشد و این کار عمدتاً در گرو تعامل و ارتباط مستمر بین نیروی انتظامی و مردم میسر خواهد شد. نظر به اهمیت ارتباط متقابل مردم و پلیس برای دستیابی به هدف تأمین امنیت اجتماعی، در این پژوهش با استناد به یافته‌های پژوهشی بر ضرورت تعامل نیروی انتظامی و مردم به عنوان مهم‌ترین جنبه‌های توانمندسازی تأکید شده است. به عبارت دیگر، نیروی انتظامی از طریق تعامل و ارتباط با مردم می‌تواند نقش خود را در راستای نهادینه کردن هنجارهای مربوط به ارتقاء امنیت اجتماعی ایفا کند. آنچه تحقیق حاضر را از دیگر تحقیقات انجام شده متمایز می‌کند، تمرکز بر یک نوع مدل ارتقای امنیت اجتماعی با تأکید بر توانمندسازی مردمی توسط ناجا است.

نکته مهمی که در بحث توانمندسازی مورد غفلت واقع می‌شود این است که فرایند توانمندسازی به مانند تیغی دو لبه عمل می‌کند؛ یعنی از یک‌سو زمینه را برای آگاهی و فعال کردن مردم و نیروهای اجتماعی برای همکاری با نیروهای انتظامی در جهت ارتقای امنیت فراهم می‌سازد و از سوی دیگر با افزایش سطح آگاهی مردم، توقعات و انتظارات

آن‌ها نیز در خصوص معنا و مفهوم امنیت و ابعاد آن دگرگون می‌شود. در اینجا، ناجا با یک دوره روبرو می‌شود که در سیاست‌گذاری‌های نیروی انتظامی می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد؛ اگر متناسب با روند افزایش توانمندسازی مردم، امکانات و ساختارهای نیروی انتظامی و دیگر نهادهای مرتبط نیز تقویت شود، نتیجه این خواهد شد که احساس امنیت در بین شهروندان افزایش می‌یابد که در واقع می‌توان این فرآیند را با اصطلاح «توسعه امنیت اجتماعی» تبیین کرد. در نقطه مقابل وضعیت بالا، اگر افزایش امکانات و تجهیزات نیروی انتظامی و نهادهای مرتبط متناسب با افزایش سطح انتظارات مردم تقویت نشود، به جای احساس امنیت، «احساس ناامنی» و دست‌کم درجاتی از احساس نارضایتی ظاهر می‌شود.

براساس نتایج تحقیق، پاسخگویان عمدتاً پیشنهادهای و توصیه‌های خود را در خصوص آموزش از ناحیه پلیس به منظور توانمندسازی شهروندان مطرح کرده‌اند. همچنین، یافته‌های تحقیق حاکی از خواست قاطع و مبرم شهروندان در جهت حفظ نظم و تداوم هنجارها و ارزش‌های ناظر بر نظم اجتماعی است. در واقع، شهروندان عملاً خواستار استقرار نهادها و تداوم فرایند نهادینگی در جهت حفظ نظم و امنیت هستند. در واقع، مردم ضمن تأیید اقدامات نیروی انتظامی برای ارتقای امنیت در جامعه، بر سطوح بالاتری از نیازهای امنیتی تأکید کرده‌اند.

شایان ذکر است که تنها نیروی انتظامی نیست که بر احساس امنیت اجتماعی در کل کشور تأثیر می‌گذارد. در واقع، نهادهای متعددی در عرصه امنیت اجتماعی نقش آفرینی می‌کنند و از این‌رو، نقش آن‌ها در احساس امنیت در بین شهروندان بسیار مؤثر است. با این همه، نقش نیروی انتظامی در ساختار امنیت کشور در تأمین امنیت در بین شهروندان تعیین‌کننده است؛ چراکه نیروی انتظامی به موجب قانون وظایف متعددی را در این حوزه بر عهده دارد و در واقع اقدامات نیروی انتظامی می‌تواند مستقیماً و آشکارا در امنیت اجتماعی تأثیر بگذارد. اما وقتی بحث احساس امنیت پیش می‌آید، موضوع بسیار فراتر از وظایف و مأموریت‌های انتظامی است؛ چراکه احساس امنیت یک پدیده بسیار گسترده و چندبعدی است و از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و عملکرد نهادهای مرتبط با این حوزه‌ها تأثیر می‌پذیرد. اینجاست که اهمیت تعامل مستمر ناجا با سایر نهادهای دخیل در احساس امنیت اجتماعی بیش از پیش آشکار می‌شود و

دستیابی به این مهم در گرو نه فقط برنامه‌ریزی راهبردی، بلکه اتخاذ سیاست‌های متناسب با مأموریت‌ها و وظایف نیروی انتظامی است.

با توجه به یافته‌ها و نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

- از آنجا که نقش نیروی انتظامی در ساختار امنیت کشور تعیین کننده است، بنابراین باید جایگاه ناجا را متناسب با انتظارات و توقعات فزاینده مردم ارتقاء داد.

- صرف حضور پلیس در مکان‌ها و زمان‌های وقوع جرم کفایت نمی‌کند، بلکه باید سازوکارهایی را پیش‌بینی کند که حضورش مؤثر و تأثیرگذار بر امنیت و نظم و برآوردن انتظارات باشد. این سازوکارها می‌تواند شامل آموزش، گزینش صحیح مأمورینی که در مکان‌ها حاضر می‌شوند، قاطعیت و صحت عمل پلیس در صحنه باشد.

- مردم انتظار دارند پلیس در انجام وظایف و مأموریت‌های خود بسیار چابک و قاطع ظاهر شود و اقدامات مؤثر و دقیقی برای تأمین امنیت به عمل آورد. در اینجا نقش آموزش، تربیت صحیح، نظارت و رفع مشکلات مأموران از نظر دغدغه‌های معیشتی و نظایر این‌ها حائز اهمیت است. همچنین، ترسیم روند مأموریتی قبل از اقدام برای انجام وظیفه و مأموریت می‌تواند دقت و کارآمدی پلیس را افزایش داده و ضمناً از اقدامات سلیقه‌ای جلوگیری کند.

- فرماندهان و مأموران پلیس در مساجد، تکایا، مراسم و مناسبت‌ها در میان مردم حاضر و پیشگام باشند و به صورت حضوری به مشکلات شهروندان گوش داده و رسیدگی کنند.
- میزان رضایت‌مندی شهروندان از پلیس به صورت ادواری در نقاط مختلف کشور (مثلاً هر سه ماه یک‌بار) مورد ارزیابی قرار گیرد و اقدامات لازم در رفع مشکلات و موانع صورت پذیرد.

- پیرامون آموزش شهروندان در مراقبت و توانمندسازی آن‌ها در جهت حفظ نظم و رعایت قانون و نقش و وظایف پلیس در آن، تحقیق مناسب صورت پذیرد.

- با تمهید سازوکارهای لازم، چهره نیروی انتظامی از نیروی متکی بر اجبار، بیش از پیش به نیرویی یاریگر و مددکار شهروندان در زندگی اجتماعی تغییر یابد.

- ضرورت تشکیل و سازماندهی پلیس قضایی و پلیس اجتماعی با تعیین حوزه‌های مأموریتی و وظایف مشخص در دستور کار و مورد مطالعه توسط کارشناسان قرار گیرد.

- کارشناسان ناجا در چند حوزه باید محیط‌شناسی کرده و پیرامون فرصت‌های ارتکاب جرم، مسئله‌شناسی، آسیب‌پذیری‌های امنیت اجتماعی، چالش‌های اجتماعی با نهادها و

سازمان‌های تولید امنیت اجتماعی و آینده‌پژوهی این حوزه‌ها فعالانه به تولید علم و کار پژوهشی روی آورد.

تشکر و قدردانی

در پایان، از گروه دبیران گرامی نشریه و داوران محترم مقاله که با ارائه نظرهای ارزشمند خود، در بهبود کیفیت این مقاله اثرگذار و ثمربخش بوده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم. همچنین، بر خود لازم می‌دانم از زحمات دست‌اندرکاران فصلنامه وزین پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی کمال تشکر و قدردانی را به‌جا بیاورم.

منابع

منابع فارسی

- آرون، ریمون (۱۳۸۹). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی* (باقر پرهام، مترجم). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- انتظاری، علی؛ اسدپور، عهدیه و احمدی آهنگ، کاظم (زمستان ۱۳۹۴). احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش پلیس (مورد مطالعه: شهر نور). *فصلنامه انتظام اجتماعی*. ۷(۴) صص ۷-۳۴. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=298268>
- اولادی، شعبان؛ جهانبخش، اسماعیل و محمدی، اصغر (بهار ۱۳۹۸). بررسی اثرات و پیامدهای پدیده بدحجابی و تبرج بر امنیت اجتماعی. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*. ۱۰(۵۷)، صص ۱۰۵-۱۲۵. بازیابی از: <http://sss.jrl.police.ir/article91608html>
- بنی فاطمه، حسین و سلیمی، آمینه (پاییز ۱۳۹۰). احساس امنیت اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *مطالعات جامعه‌شناسی*. ۳(۱۲)، صص ۵۹-۷۷. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=263538>
- بوزان، باری (۱۳۸۸). *مردم، دولت‌ها و هراس* (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ اول.
- بوزان، باری (۱۳۹۰). *چارچوبی تازه بر تحلیل امنیت* (علیرضا طیب، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۲). *نظریه‌های انقلاب؛ وقوع فرآیند و پیامدها*. تهران:

انتشارات سمت.

- تاجران، عزیزالله و کلاکی، حسن (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی*. (۴)۴. صص ۵۶۱-۵۸۶. بازیابی از: http://pmsq.jrl.police.ir/article_91998.html
- تبریزی، لمیاء و محتشمی، ندا (۱۳۹۲). نظریه تعامل‌گرایی و تحلیل انتقادی آن. *فصلنامه مطالعات حقوقی*. (۲)۵. صص ۵۹-۱۰۲. بازیابی از: <https://b2n.ir/023702>
- ترتر، جانانان (۱۳۹۳). *ساخت نظریه‌های جامعه‌شناسی (عبدالعلی لهسایی‌زاده، مترجم)*. شیراز: انتشارات نوید.
- حبیب‌زاده، قاسم (بهار ۱۳۹۸). ابعاد امنیت از منظر امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی). *فصلنامه علمی امنیت ملی*. (۳۱)۹. صص ۷-۳۲. بازیابی از: https://journals.sndu.ac.ir/article_467.html
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۳). *روش‌شناسی علوم سیاسی*. قم: انتشارات دانشگاه مفید
- خوش‌فر، غلامرضا (مرداد و شهریور ۱۳۹۴). *امنیت و جامعه مدنی*. نشریه امنیت شماره سیزدهم و چهاردهم، صص ۱-۲۰. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=167686>
- ذوالفقاری، حسین (۱۳۸۸). پلیس، امنیت و حقوق شهروندی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ج. ۱. مجموعه میزگردهای همایش علمی پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴. انتشارات: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- رجیبی فرجاد، حاجیه (زمستان ۱۳۹۵). مقوله‌بندی اهمیت مؤلفه‌های سبک زندگی در احساس امنیت شهروندان. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. (۴)۱۱. صص ۹-۳۲. بازیابی از: http://icra.jrl.police.ir/article_18190.html
- ریتور، جورج (۱۳۹۴). *بنیان‌های جامعه‌شناختی (تقی آزاد ارمکی، مترجم)*. تهران: نشر سیمرغ.
- سهراب‌زاده، مهران؛ نیازی، محسن؛ بخشی، قدیر و بیات، بهرام (زمستان ۱۳۹۸). فراتحلیل پژوهش‌های مرتبط با رابطه عملکرد پلیس جامعه‌محور احساس امنیت. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. (۵۶)۱۴. صص ۹-۳۴. بازیابی از: http://icra.jrl.police.ir/article_93169.html
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸). *انسان و شهرنشینی*. تهران: انتشارات شهر.
- محسنی تبریزی، علیرضا و حیدری، مهلقا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر

میزان رضایت از زندگی در میان دانشجویان. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*.

۳(۱۰)، صص ۱۳۰-۱۵۲. بازیابی از: <https://b2n.ir/505776>

- معید فر، سعید (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*. همدان: نورعلم.

- نایب‌پور، محمد؛ ویسیان، محمد؛ اصغری، آزاد و محمدی حمیدی، سمیه (زمستان

۱۳۹۳). نقش پلیس در احساس امنیت اجتماعی پایدار (مطالعه موردی؛ شهر دهگلان).

فصلنامه جغرافیای انتظامی. ۲(۸)، صص ۷۷-۹۶. بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=294365>

- هزارجریبی، جعفر؛ کشوری، مصطفی و فاروقی، الهام (۱۳۹۳). بررسی میزان احساس

امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی؛ شهر تهران). *برنامه‌ریزی رفاه و*

توسعه اجتماعی. ۵(۲۰)، صص ۱-۴۲. بازیابی از: <https://b2n.ir/010592>

منابع انگلیسی

- Buzan, B. & Weaver, O. (2018). Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan. Copenhagen peace research institute (COPRI) working papers. Retrieved from: <https://b2n.ir/891892>

- Jones, R. (2019). Security, Strategy, and Critical Theory. London: Lynne Rienner Publications. Retrieved from: <https://b2n.ir/949190>

- Virda, S. (2008). Soft power and public participation in policing, the annual meeting of the American society of criminology. Royal York: Toronto. Retrieved from: <https://www.ncjrs.gov/pdffiles/158837.pdf>

- Vourc, H. & Michel, M. (2016). Espaces culturels urbains et securite urbaine. new York: university pres. Retrieved from:

<https://www.histoire-immigration.fr/opac/17733/show>